

بازی‌های پیش‌دبستانی

اشاره

با علم به تعریف بازی‌ها و تأثیر آن‌ها در تربیت کودک و پرهیز از تعریف مجدد و تبیین انواع آن‌ها از جمله بازی‌های نمایشی، رقابتی، جسمی، ساخت و سازی، مشاهده‌ای و موازی، مشارکتی و بازی‌های گروهی و فعال که اغلب در مقالات مختلف این مجله مورد توجه قرار گرفته‌اند، تأثیر منفی بعضی از بازی‌ها - که شاید در ظاهر در مقام مقایسه با بازی‌های دیگر در ردیف بازی‌های مطلوب هم قرار دارند - هدف این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: بازی، رقابت، مسابقه، کودک امروز یا مدیران فردا

بازی مؤثرترین و پرمعنی‌ترین راه یادگیری کودکان است و جبران آن از طریق دیگر امکان‌پذیر نیست. اگر چه بازی منبع غنی آموزشی برای کودک و عاملی مهم و مؤثر در رشد و شکوفایی استعدادهای او به شمار می‌رود، بعضی از والدین، کودکان را از آن منع می‌کنند. آن‌ها کمتر به این نکته توجه دارند که ممکن است کم بازی کردن، کودک را از بسیاری موفقیت‌های یادگیری محروم کند. شاید آن‌ها نمی‌دانند که بازی‌ها فرصت‌هایی به وجود می‌آورند تا کودکان با مقررات و ضوابط زندگی آشنا شوند و روح سازگاری در آن‌ها پدید آید. کودک هنگام بازی، مفاهیم همکاری، پیروزی، شکست، برتری‌طلبی، و رقابت را یاد می‌گیرد؛ بنابراین، بسیاری از آموزش‌های تربیتی را می‌توان از طریق بازی‌ها به کودک نشان داد و به راحتی او را در مسیر تربیت رهبری کرد.

البته باید به این مطلب توجه نمود که اگر چه بازی‌ها برای کودکان بهترین روش طبیعی جهت کسب مهارت‌ها و ورزیدگی برای مقابله با مشکلات زندگی هستند، اگر به‌طور مستمر با نگاه صرفاً رقابتی انجام شوند، یکی از تبعاتشان تقویت منش و فرهنگی است که در آن افراد در بزرگسالی، خواسته یا ناخواسته، با انگیزه رقابتی زندگی می‌کنند. جهت پرهیز از اطالۀ کلام، تنها چند بازی رقابتی گروهی را که بیشتر در مراکز پیش‌دبستانی مورد توجه قرار می‌گیرند، با هم بررسی می‌کنیم.

صندلی بازی: صندلی بازی یک بازی گروهی است که معمولاً کودکان در مهمانی‌ها و جشن تولدها به آن می‌پردازند. بازی با هر تعداد بازیکن و صندلی‌هایی به تعداد یکی کمتر از بازیکن‌ها آغاز می‌شود. هنگامی که آهنگ پخش می‌شود، بازیکنان به ردیف دور صندلی‌ها راه می‌روند یا می‌دوند. هنگامی که پخش‌کننده آهنگ ناگهان موسیقی را قطع می‌کند، همه بازیکنان باید فوراً در رقابت با یکدیگر روی یکی از صندلی‌ها بنشینند. چون تعداد صندلی‌ها یک عدد کمتر از تعداد افراد است، در هر دو V یک نفر بدون صندلی می‌ماند و می‌سوزد... با این بازی ما از بچگی به کودکان خود آموزش می‌دهیم که هر کسی باید به فکر خودش باشد و تعاونی در کار نیست.

دستش ۵: در این بازی (که به اشتباه دست رشته گفته می‌شود) هر چه تعداد نفرات بیشتر باشد، لذت بازی بیشتر خواهد بود. فردی به‌عنوان خرس وسط انتخاب می‌شود. این فرد می‌بایست در حین پاس‌کاری توپ (با دست) میان بازیکنان، توپ را از آنان بگیرد و شخصی که توپ را از دست می‌دهد، جای او را می‌گیرد. عمل قاپیدن توپ در هوا نیز در این بازی مجاز است. در صورتی که این بازی به جای دست با پا انجام شود، به خرس وسط موسوم است.



مسابقه یا رقابت؟

مهدی مروجی

کارشناس ارشد تعلیم و تربیت اسلامی

بالا بلندی: این بازی در فضای باز انجام می‌شود. بچه‌های شرکت‌کننده در بازی یک نفر را به‌عنوان گرگ انتخاب می‌کنند که باید به دنبال بچه‌های دیگر بدود و آن‌ها را بگیرد. وقتی گرگ به یکی از بچه‌ها نزدیک می‌شود، او باید روی یک بلندی که از پیش تعیین شده است برود و تا وقتی روی بلندی است، گرگ نمی‌تواند او را بگیرد. گرگ، بازی را با دنبال کردن کودکان دیگر ادامه می‌دهد و اگر بتواند کسی را پیش از اینکه روی بلندی بایستد بگیرد، او گرگ می‌شود و کار گرگ قبلی را دنبال می‌کند. وقتی گرگ دنبال کودکی می‌دود، دیگران شعر می‌خوانند و شادی می‌کنند و در عین حال مواظب‌اند که گرگ هدفش را عوض نکند و آن‌ها را نگیرد. وقتی گرگ دارد به دنبال کودکی می‌دود، بچه‌ها می‌خوانند:

گرگ بازی تنبلی هرگز مکن
جان من! خود را به گوشه کز مکن
در این بازی ممکن است به جای بلندی، کودکان با گچ یا زغال، دایره یا مربعی بکشند و درون آن را جای امن بدانند.



خروس جنگی: در این بازی، بازیکنان به دو گروه چند نفره تقسیم می‌شوند و با یک لنگه پا و دست به سینه به یکدیگر تنه می‌زنند تا تعادل افراد گروه حریف را به هم بزنند. هر گروهی که اعضایش زودتر تعادل خود را از دست بدهند، بازنده است. این‌ها چند نمونه از بازی‌های رقابتی هستند که به‌خاطر هیجان، سرعت و تحرکی که دارند، با هدف ایجاد شور و شادی، تقویت عضلات، سرعت و دقت انجام می‌شوند، اما در این بازی‌ها، با کمی دقت می‌توان نگرانی‌ها و اضطراب کودکان برای برنده شدن را در رفتار و حرکات آن‌ها به روشنی مشاهده کرد. در این نوع بازی‌ها، کودکان ناخواسته به رقابتی تن می‌دهند و برای برنده شدن یا کسب مقام اول، رقیب خود را که رقیق، هم‌کلاس یا حتی برادر خود آن‌هاست، به هر روشی کنار می‌زنند و از او پیشی می‌گیرند و در غیر این صورت، باید از دور بازی کنار روند. این در حالی است که بازی، تلاش و فعالیت لذت‌بخش، خوشایند و مفرح برای رشد همه‌جانبه کودک تعریف شده است^۱ و کسی که بازی می‌کند، باید احساس خوبی و نشاط در همکاری گروهی را از خود نشان بدهد. در بازی گروهی بالا بلندی، کودک باید به هر طریقی که شده است، رقبای خود را در بلندی یا درون دایره و مربعی که کشیده شده پس بزند و در جای او قرار بگیرد و در غیر این صورت، گرگ او را شکار خواهد کرد.

به راستی آیا این چند بازی و بازی‌های مشابه، همه ما را به یاد رقابت‌ها برای نمایندگی و تصاحب صندلی در مجلس شورای اسلامی و شورای شهر نمی‌اندازد؟ آیا فکر نمی‌کنیم که یکی از دلایل بد اخلاقی‌هایی که امروز در بعضی از این فعالیت‌ها دیده می‌شود، درونی شدن فرهنگ این نوع بازی‌هاست؟

متأسفانه امروزه، رقابت جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بعضی از ماست و در بیشتر ابعاد زندگی‌مان ریشه دوانده است؛ به‌خصوص در تربیت رسمی آموزش و پرورش، که حرف اول و آخر را می‌زند. گویا تصور دنیای بدون رقابت غیرممکن است.

شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که این کلمه مترادف واژه مسابقه به کار رفته است؛ در حالی که مسابقه کوششی برای وصول به هدفی است که مورد نظر دیگری نیز هست اما رقابت، عقب انداختن دیگری از وصول به هدف مورد نظر هر دو طرف است.

نتایج تحقیقات هم به ما می‌گویند که فرهنگ، استعداد و ذات کودک در تأثیر

که رقابت در او به جا می‌گذارد، مؤثر است و عکس‌العمل متفاوت کودکان را به دنبال خواهد داشت^۲...

بدیهی است زمانی که تأکید زیادی روی بهترین بودن می‌شود، اگر کودک نتواند از هر موفقیت خود جداگانه و با تکیه بر سزاورای واقعی‌اش لذت ببرد، برد او هدف با ارزشی محسوب نمی‌شود. مخصوصاً که رقابت می‌تواند بر کودک تأثیر منفی بگذارد؛ از جمله:

باعث صدمه روانی و جسمی یا هر دو به او شود.

کودک بازنده را در هم بشکنند.

بردن به هر قیمتی باعث استرس کودک شود.

اعتمادبه‌نفس را در او از میان ببرد.

باعث تحقیر می‌شود و ارزش‌های فردی را از بین می‌برد.

قدرت اجرا و حرکت را کم می‌کند^۳.

شاید به همین علت است که در قرآن، مفهوم مسابقه بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است؛ اگر چه امروز با معنای آن در عمل فاصله داریم. این در حالی است که در جوامع غربی به‌خصوص در مباحث تربیتی و آموزشی، رقابت جای خود را به مشارکت می‌دهد ولی ما هنوز رقابت را به‌عنوان تنها ابزار انگیزشی می‌شناسیم و نظام آموزشی ما بدون اندیشه‌ای بنیادین، به استفاده از رقابت تمایل نشان می‌دهد. غافل از اینکه بنا نهادن جامعه بر مبنای رقابت ما را از اخلاق و منش مطلوب دینی دور می‌کند؛ زیرا رقابت ممکن است بزرگی به ارمغان بیاورد ولی بزرگواری، هرگز و فرق است بین بزرگی و بزرگواری.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «در کارهای نیک، سبقت گیرید»^۴ و سبقت مترادف مسابقه است. در این نوع از مسابقه برای کسب موفقیت ضرورتی برای کنار زدن دیگری وجود ندارد؛ یعنی اگر کسی کار خیری انجام داد و کس دیگری، خیری بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از آن انجام دهد، خداوند به همه آن‌ها، به تناسب کارشان ثواب می‌دهد اما این بدان معنا نیست که چون کار خیر یکی بزرگ‌تر است، خداوند از ثواب دیگر کم کند و به ثواب او بیفزاید. در بعضی از ورزش‌هایی که برای سلامتی‌مان انجام می‌دهیم، این قانون صدق می‌کند. اگر شما ورزش کنید که سالم بمانید و دیگری هم با همین هدف ورزش کند، چیزی از همدیگر نمی‌کاهید اما در رقابت چنین نیست. رقیب اگر چیزی به‌دست آورد، دیگری از آن محروم می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت چون در رقابت تعداد بازنده‌ها بیشتر از برنده‌هاست و مبنای اصلی آن مقایسه است، از طرفی، از آنجا که رقابت به نفع قوی‌ترهاست تا ضعیف‌ترها، افزون بر این‌ها چون در رقابت برنده‌ها به اندازه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند که بازنده‌ها فراموش می‌شوند، بنابراین نمی‌توان در تربیت کودکان از بازی‌های رقابتی بیشتر استفاده کرد.

